

فلسفہ عشق

اروینگ سینگر
ترجمہ میثم محمد امینی



فلسفه عشق

اروینگ سینگر

ترجمه

میشم محمد امینی

(عضو هیئت‌علی دانشگاه شهید بهشتی)

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۷

فلسفه عشق

ترجمه میثم محمدامینی

Philosophy of Love از

Irving Singer

The MIT Press, Massachusetts, 2011

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

چاپ اول ۱۳۹۷
شمارگان ۱۱۰۰
صفحه آرا مرتضی فکوری
طرح جلد محمد جهانی مقدم
چاپ و صحافی سپیدار
ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه سینگر، اروینگ، ۱۹۲۵ - م.
عنوان و نام پدیدآور فلسفه عشق/ اروینگ سینگر؛
ترجمه میثم محمدامینی.
مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری ۱۳۴ ص.
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۰۰۴۱-۶
وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
موضوع عشق -- Love
شناسه افزوده محمدامینی، میثم، ۱۳۶۱ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره BD ۴۳۶/۹۳۸ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی ۱۲۸/۴۶
شماره کتاب‌شناسی ملی ۵۰۴۲۴۸۷

مرکز پخش آسیم
تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵
www.nashrenow.com فروشگاه اینترنتی
قیمت ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

- ۷ درآمد (به قلم الن سوبل)
۱۱ یادداشت نویسنده

فلسفه عشق

- ۱۷ آیا عشقِ رمانتیک مفهومی جدید است؟
۲۳ افلاطون
۲۸ فراتر از ایدئالیسم
۳۱ مفاهیم استعلا و یکی شدن
۴۳ عشق شهسوارانه، و مفاهیم جانشین آن
۵۴ انواع گوناگون عشق رمانتیک
۵۹ اینهمانی عشق و اشتیاق
۶۶ ارزش بخشی و ارزیابی در رابطه با دیدگاه فروید
۷۴ شوپنهاثر و نیچه
۸۲ پیامدهای این دیدگاه برای ازدواج

- ۸۷ دوگانه‌انگاری و دیدگاه فروید درباره انحطاط اروتیک
- ۹۵ دموکراسی در ارتباط با رمانتیسم
- ۱۰۰ اگزیستانسیالیسم
- ۱۰۹ عشق به زندگی: چشم‌اندازی کثرت‌باورانه
- ۱۱۹ هماهنگ‌سازیِ دیویی و سانتایانا
- ۱۲۵ نقش خلاقیت
- ۱۳۰ چشم‌اندازهای آینده فلسفه عشق...

درآمد

به قلم الن سوئل^۱

در اوایل دهه ۱۹۷۰، وقتی که در دانشگاه نیویورک دانشجوی دوره تحصیلات تکمیلی در رشته فلسفه بودم، دو چیز خواندم که هر دو تأثیر شگرفی بر کار پژوهشی من در سال‌های بعد داشتند (و هر دو هم کاملاً بیرون از حوزه استاندارد مطالعات من بودند).

یکی مقاله ۱۹۶۹ تامس نیگل^۲ در ژورنال فلسفه^۳ بود، با نام «انحراف جنسی»^۴ که به من نشان داد چگونه آمیزه‌ای امروزی از فلسفه تحلیلی و قاره‌ای می‌تواند مسئله جنسیت^۵ انسان را از جهات

۱. الن سوئل (Alan Soble) از ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۶ استاد فلسفه دانشگاه نیواورلینز بوده است. سوئل پس از بازنشستگی از دانشگاه نیواورلینز به فیلادلفیا رفت و اکنون در دانشگاه درکسل و در پردیس ابینگتن در دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا فلسفه درس می‌دهد. نسخه بازبینی شده و بسط‌یافته کتاب او درآمدی به فلسفه آمیزش و عشق (پراگن هاس) در ۲۰۰۸ منتشر شد.

2. Thomas Nagel

3. *Journal of Philosophy*

4. "Sexual Perversion"

5. sexuality

مهمی روشن کند. رفته رفته این فکر در ذهنم شکل گرفت که پژوهش فلسفی درباره جنسیت می تواند شاخه ای جدی و معتبر از درخت فلسفه باشد.

دیگری ویراست نخست کتاب اروینگ سینگر، افلاطون تا لوتر^۱ (۱۹۶۶) بود، نخستین جلد از سه گانه سترگ او به نام ماهیت عشق^۲ که نشانم داد بررسی فلسفی و تاریخی مفهوم عشق می تواند چه اندازه دشوار و جذاب باشد. اکنون که به گذشته و سال ۱۹۷۷ می نگرم، با گذشت سه دهه چندان برایم عجیب به نظر نمی آید که آن هنگام به این فکر افتادم که انجمن فلسفه آمیزش جنسی و عشق^۳ را تأسیس کنم، انجمنی که پروفسور سینگر این کتاب تازه خود را با نهایت مهربانی به آن تقدیم کرده است.

میان سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶، وقتی که در دانشگاه سنت جان و کالج سنت بندیکت در مینه سوتا درس می دادم، عشق شهسوارانه و رمانتیک^۴ (۱۹۸۴)، جلد دوم ماهیت عشق و همین طور ویراست دوم جلد نخست، افلاطون تا لوتر را با اشتیاق فراوان خواندم. (در همان زمان که در شهری چند هزار نفری زندگی می کردم، در تنها قهوه خانه ای که دور و اطرافم بود، سرانجام توانستم اثر کلاسیک آندرس نوگرن^۵، آگاپه و اروس^۶، را نیز به پایان برسانم.) در ۱۹۸۷ نشریه ای از من خواست مطلبی در نقد و بررسی جلد سوم کار پروفسور سینگر با عنوان جهان مدرن^۷ بنویسم، اما من همان هنگام مشغول بلعیدن این

1. *Plato to Luther*

2. *The Nature of Love*

3. *Society of the Philosophy of Sex and Love*

4. *Courtly and Romantic*

5. Anders Nygren (1890-1978)

6. *Agape and Eros*

7. *The Modern World*

کتاب بودم. نقد و بررسی کتاب اغلب کاری شاق و ملال‌آور است، اما این تکلیف برای من موهبتی بود سرورانگیز.

در نوشته‌ها و سخنرانی‌های فلسفی‌ام دربارهٔ عشق و رابطهٔ جنسی، چه بخواهم به افلاطون بپردازم چه به آگوستین یا آکویناس یا روسو یا هیوم یا کانت یا کیرکگور یا شوپنهاور یا فروید یا سارتر، مراجعهٔ مکرر به سه جلد ماهیت عشق و همین‌طور دیگر کتاب‌های پروفسور سینگر دربارهٔ عشق و رابطهٔ جنسی برایم سودمند - نه بهتر بگویم، ضروری - بوده است. من از او دربارهٔ تاریخ غنی فلسفهٔ عشق، داستان عشق، شعر عشق، موسیقی عشق، و (به قول اریش فروم) هنر عشق بسیار آموخته‌ام. راستش خواندن کتاب‌های پرشمار او، لفظ دانشمند فاضل را برای من معنا کرد.

بارها در نوشته‌ها و گفته‌هایم، به دانشجویان کنجکاو و همکارانم تأکید کرده‌ام که اگر می‌خواهید دربارهٔ فلسفهٔ عشق و آمیزش مطالعه کنید، سه گانهٔ پروفسور سینگر باید در صدر فهرست منابعتان باشد. اما با خواندن کتاب تازه‌اش که مضامین گوناگون موجود در سه گانهٔ ماهیت عشق را خلاصه کرده و به تبیین و تشریح اهم آن‌ها پرداخته است، پیش خود گفتم که ای کاش این کتاب در روزگار جوانی به دستم می‌رسید، ای کاش که آن را پیش از غرق کردن خود در کل آن سه گانه خوانده بودم. این چیزی است که اکنون به آن‌ها که می‌خواهند در زمینهٔ فلسفهٔ عشق و آمیزش مطالعه داشته باشند و از من می‌پرسند که از کجا آغاز کنند می‌گویم: اول این کتاب را بخوانید، و بعد ماهیت عشق را. البته این کتاب در زمان دانشجویی برای من بسیار سودمند می‌توانست باشد، اما این را هم باید گفت که نگارش آن پیش از

تألیف آن سه گانه امکان پذیر نبود. علت به خصوص این امر آن است که این کتاب کتابی بسیار شخصی است، کتابی که پروفیسور سینگر در آن، درباره زندگی و کار خود نیز می اندیشد و می کوشد نه تنها به فهم عمیق تری از تاریخ مفهوم عشق دست یابد، بلکه خویشتن را نیز بهتر درک کند، کشف کند که چگونه موضوعات خود را برگزیده و به آن ها پرداخته است و چرا به این نتایج خاص رسیده است. از همین رو این کتاب همان اندازه که کاوشی است در زمینه عشق و رابطه جنسی، خودزندگی نامه ای فکری نیز به شمار می آید. و این به جذابیت کار می افزاید و تصویری اجمالی از فرایندهای فکری پژوهشگری که دستاوردهای بسیاری برای حوزه علوم انسانی داشته است پیش روی ما قرار می دهد.

یادداشت نویسنده

این کتاب چکیده‌ای است که از چند جهت گزینشی است. گزینشی است چون قصدم از نگارش آن پرداختن به دغدغه‌هایی در فلسفه عشق بوده است که برای خودم ارجحیت داشته‌اند. در این جا نیز مانند دیگر نوشته‌هایم دربارهٔ این موضوع، فیلسوفانی که از آن‌ها بحث می‌کنم بازتابندهٔ برداشت من از اهمیت آن‌ها و همین‌طور دریافت فردی من از دیدگاه‌هایشان است. گرچه می‌کوشم در ارزیابی‌هایم، مانند توصیف‌هایم، دقیق باشم، دربارهٔ عینیت قطعی نظراتم هیچ‌گونه ادعایی ندارم. شاید گاهی اوقات این‌گونه به نظر آید که معتقدم سیر تاریخی این موضوع سرانجام به اندیشه‌های خودم می‌رسد، اما حقیقت آن است که تصور نمی‌کنم من یا هیچ‌کس دیگری را بتوان مقصد غایی تاریخ دانست. من نوشته‌ام را صرفاً به عنوان حاصل آموخته‌هایم در مقام فیلسوف معاصر که آثار نویسندگان دیگر در

این حوزه را خواننده و کوشیده است گامی کوچک به پیش بردارد، به شما عرضه می‌کنم.

اثر حاضر از دو جهت چکیده است: نخست این که خلاصه‌ای گزینشی است از چشم‌انداز تمام‌نمای اندیشه‌هایی که بر آن‌ها اتکا دارم و تا امروز صفحات کتاب‌ها و مقالات بسیاری را به آن‌ها اختصاص داده‌ام. خوانندگانی که ممکن است به حق از سبک غیرجدلی این کتاب سرخورده شوند آسوده‌خاطر باشند که واکاوی عمیق‌تر و پرداخت دقیق‌تر به این موضوعات را می‌توانند در دیگر نوشته‌های من بیابند. به عنوان این نوشته‌ها و بخشی از محتوایشان اشاره‌ای خواهم داشت، اما از بیان مجدد آن‌چه در منبع اصلی آمده است خودداری می‌کنم.

این کتاب از جهتی دیگر نیز چکیده‌ای گزینشی است، و آن به این واقعیت بازمی‌گردد که من فلسفه را موضوعی نمی‌دانم که می‌تواند یک نتیجه نهایی یا راه حلی جامع برای پرسش‌های گوناگونی که طرح می‌کند داشته باشد. پس هیچ چکیده‌ای نمی‌تواند کارهای در جریان و پرشماری را که ارزش توجه دارند کنار بگذارد. وقتی که درباره کارهایی که خودم انجام داده‌ام دقیق‌تر می‌اندیشم، فقط دنباله‌ای از تقریب‌ها و بازیبنی‌ها می‌بینم بدون این که هیچ دلیلی باشد که تصور کنم به حکمی کاملاً فراگیر نزدیک‌تر یا از آن دورتر شده‌ام. من عقیده ندارم که برای عشق، یا اصلاً زندگی نهایی بتوان تصور کرد.

این متن آگاهانه به صورتی خودمانی‌تر و غیرتعلیمی‌تر از دیگر کتاب‌های من در این زمینه نوشته شده است. خواسته‌ام چشم‌اندازی کلی عرضه کنم که آن دسته از خوانندگانی که علایق فنی چندانی

ندارند بتوانند به سادگی هضم کنند و احتمالاً از آن لذت برند. با همین هدف، از پانویس استفاده نکرده‌ام، و معمولاً برای ارجاع به گفته‌های نویسندگان دیگر، به جای نقل قول کلمه به کلمه، مضمون مورد نظر را با واژه‌های خودم بیان کرده‌ام.

مطالب این کتاب در اصل از دل مصاحبه‌هایی بیرون آمده که با یک تهیه‌کننده رادیو داشتم و گاهی بیشتر به تک‌گویی شبیه می‌شد تا گفت‌وگو. حال و هوای غیررسمی و بی‌تکلف این گفت‌وگوها دلیل سبک محاوره‌ای و خودمانی مطالبی است که اکنون روی کاغذ می‌آورم. این شیوه غیرمدون در اغلب موارد امکان بیرون کشیدن اندیشه‌هایی را فراهم آورده است که پیشتر نمی‌توانستم به روشنی و صراحت بیان کنم. در نتیجه، این کتاب در چارچوبی که گاه‌گاه در آن بی‌نظمی دیده می‌شود، هم شامل نظرات جدید من و هم شامل نظرات قدیم است و شیوه بیان آن‌ها در این جا احتمالاً برای برخی خوانندگان خوشایند است اما بعضی دیگر آن را نمی‌پسندند. در پایان من پژوهشی را توصیه کرده‌ام که مستلزم همکاری میان علوم زیستی و شاخه‌های مختلف علوم انسانی است، اما درباره این که از این راه چه یافته‌هایی می‌توانیم داشته باشیم صرفاً اشاراتی مختصر کرده‌ام. این کاستی به ویژه در مورد مطالعات زنان نمایان است، که در این زمینه تازه اکنون پژوهش‌های بسیار امیدوارکننده‌ای در حال شکل‌گیری است. من این حوزه‌ها را به پژوهشگرانی وامی‌گذارم که شایستگی بیشتری از من دارند، اما همچنین امیدوارم که تأملات من به نحوی سهمی در پیشبرد کارهای تجربی و احتمالاً تأثیرگذار آن‌ها داشته باشد.

نکته پایانی که مختصراً به آن اشاره می‌کنم این است که می‌خواهم این کتاب در بستر چند دهه تأمل و تفکر شخصی که مقدم بر آن بوده است قرار گیرد. همان‌طور که در ادامه نیز خواهم گفت، من کار دشوار خود در زمینه فلسفه عشق را زمانی آغاز کردم که تقریباً هیچ فیلسوف معتبری در جهان آنگلساکسون آن را موضوعی حرفه‌ای یا حتی قابل احترام به شمار نمی‌آورد. کار در این حوزه مرا از جریان غالب تحلیل فلسفی در آمریکا دور کرد. با این همه من در سنت فلسفه تحلیلی آموزش دیده بودم، از همین رو طبیعتاً (و ساده‌لوحانه) گمان می‌کردم که کتابی خواهم نوشت و در آن، به طور نظام‌مند و با جزئیات بسیار دقیق عناصر و مشکلات مربوط به استفاده معمول از واژه عشق را بررسی خواهم کرد. در این جا نیز مانند تقریباً تمام کارهای فکری دیگرم، انگیزه‌ام نگرانی‌ها و سردرگمی‌ها و ابهامات حل نشده‌ای بود که در وجود بشری خودم، و نه صرفاً به عنوان یک متفکر، احساس می‌کردم. در آن زمان، انتزاعات بیهوده اهمیتی برایم نداشت، یا اکنون اهمیتی برایم ندارد، و احساس می‌کردم که با تحلیل دقیق، و البته باطمینان چیزهایی که برای تک‌تک افراد اهمیت دارد، می‌توانم بر مسائل و تنگناهای حیات عاطفی‌ام غلبه کنم.

اما وقتی که دست به کار شدم، دیدم مطالبی که می‌نویسم ملال‌آور و بی‌ثمر است. سرخورده و مأیوس پیش خودم فکر کردم که شاید تاریخ اندیشه‌ها در فلسفه و هنر بتواند برای شروع کمک کند. چیزی که از زیر خاک منابع تاریخی بیرون کشیدم مقادیر عظیمی بود از گمانه‌زنی‌ها و تأملات و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی که از چارچوب معیارهایی که به من یاد داده بودند واقعاً فلسفی بدانم بسیار فراتر

بود. نتیجه کارم سه‌گانه ماهیت عشق بود که می‌کوشد این پیشرفت تاریخی اندیشه و الهام را در چارچوب تمایزاتی که خود من وضع کردم قابل درک سازد و بازتابنده استعداد تحلیلی‌ای است که شاید اکنون نیز داشته باشم.

وقتی که آن سه‌گانه به پایان رسید، به تدریج این احساس در من پدید آمد که مفهوم‌پردازی‌هایم بیش از اندازه سردستی و محدود و ناقص بوده است. دریافتم که فهم عشق یا شرایط مرتبط با آن مستلزم پژوهشی است در باب مسائل مربوط به معناداری کل زندگی و به طور کلی خلق ارزش‌ها توسط انسان. پس از گذشت نه سال، همین دریافت مرا به سوی سه‌گانه دوم کشاند: معنای زندگی^۱. کل این مجموعه هم به طور غیرمستقیم به ماهیت عشق می‌پردازد، و جلد دوم، به نام جست‌وجوی عشق^۲، طوری ساختار یافته است که با نگرشی غیرتاریخی به پرسش‌هایی درباره عشق بپردازد که پیشتر قادر به رویارویی با آن‌ها نبودم.

با این همه، هنوز هم مسائلی درباره رابطه میان عشق و تخیل، آرمانی‌سازی، آمیزش جنسی، و زیبایی‌شناسی وجود دارد. در این چند سال گذشته در کتاب‌های دیگرم با این مسائل دست و پنجه نرم کرده‌ام، به ویژه در احساس و تخیل: جریان متلاطم وجود ما^۳ و کاوش‌هایی در باب عشق و رابطه جنسی^۴، که طبیعتاً حاصل مطالعات پیشینم درباره ماهیت عشق هستند. در مورد ماجراجویی‌های اخیرم

1. *Meaning of Life*

2. *The Pursuit of Love*

3. *Feeling and Imagination: The Vibrant Flux of Our Existence*

4. *Explorations in Love and Sex*

در حوزه فلسفه و پدیدارشناسی فیلم و همین‌طور نوشته‌های کنونی‌ام درباره ماهیت خلاقیت نیز تقریباً چنین قضیه‌ای صادق است. چکیده‌ای که پیش روی شما است به مرور کل این مسیر می‌پردازد. این کتاب دفاعیه‌ای است از عقاید و همین‌طور مینیاتوری از زندگی من در مقام یک متفکر یا کسی که سودای فیلسوف شدن داشته است. ا.س.